

گرانی همچنان ادامه دارد

گرانی کمرشکن که از دو سال پیش در ایران قوس صعودی را می پیماید، بتدریج به نقطه‌ای رسیده است که عملاً نه تنها زحمتکشان میهن مان را به فلاکت کشانده، بلکه اقتدار بالائی خرد بوزواری شهر را نیز بوز سیاه انداخته است. آنچه مسلم است، طبقه مصرف کننده در برابر موج سهمگین از گرانی و گرانی فروشی قرار گرفته و بواسطه بالا رفتن قیمت‌ها وضع زندگی عامه به خصوص طبقات کم درآمد و طبقاتی که درآمد ثابت و محدود دارند مختل شده است. (اطلاعات هوایی ۲۴ تیر ۵۴) گرانی همه چیز را در بر گرفته است به هیچ کالائی از آن مصون نمانده، هر ماه، هر هفته و حتی هر روز هر ساعت قیمت‌ها قوس صعودی طی میکنند. خوراک، پوشاک، اجاره خانه، مصالح ساختمانی، وسائل الکتریکی، برق آب و وسائل حمل و نقل و خلاصه همه چیز گران شده است.

اجاره هر اتاق در تهران در محلات جنوبی و جنوب باختری و خاوری شهر ۵۰۰ تومان در ماه شده است (رستا) بسیاری از مواد غذایی بازار سیاه پیدا کرده و به زحمت میتوان به آنها دسترسی پیدا کرد، گوشت کیاب شده و اصولاً مردم عادی با آن سروکاری ندارند، قیمت میوه‌ها طوری است که طبقات زحمتکش جرات نهند به آنرا نپردازند، مثلاً طالبی تا کیلویی ۳۰ ریال، هندوانه ۱۱۱ ریال، آلوزرد ۱۰۴ کیلو س ۱۱۰ ریال بالا آمده است. قیمت یک جفت کفش ماهیسن ۸۰۰ تا ۴۰۰۰ ریال نوسان میکند. شهریه دانشگاهها برای کسانی که حاضر نباشند از مزایای فرمان آموزش رایگان بهره مند شوند، برای گروه پزشکی به ۳۳۰۰۰ ریال و برای رشته کشاورزی ۲۲۰۰۰ ریال و ... رسیده است. (اطلاعات ۲۴ تیر ۵۴)

وقتی شخصی که ماهیانه ۱۰۰۰۰ تومان حقوق میگیرد کلابه سر میدهد و میگوید "دولت به من ماهی ۱۰۰۰۰ تومان حقوق میدهد، اگر بنا باشد ۸۰۰۰ تومان آنرا بابت اجاره خانه بدهم، یا باید با ماهی دو هزار تومان زندگی کنم و یا مثل خیلی‌ها به کارهای دیگری کشیده شوم که کار من نیست و یا کسانیکه ماهی ۲۲۰۰ تومان حقوق ماهانه دارند و ماچا باید تمام حقوق خود را بابت اجاره بدهند و برای تأمین زندگی خود مجبورند عصرها و شبها هم کار کنند" (اطلاعات) وضع طبقات زحمتکش اجتماع روشن است.

حد اقل مزد همچنان مطابق قوانین دولتی ۲۰ ریال در روز است که در بسیاری از موارد این حداقل هم رعایت نمیشود، درآمد اکثریت خانوارهای روستائی از ۵۰ ریال در روز تجاوز نمیکند. هر اعتصاب و اعتراضی برای بهبود شرایط زندگی و افزایش دستمزدها با دستگیری و شکنجه و اعدام پاسخ داده میشود. بدیهی است در چنین کشوری هیچ چیز بجز محرومیت کشنده نصیب زحمتکشان نمیشود. رژیمی که در مسند قدرت قرار دارد و محمد رضا شاه بقیه در صفحه ۲

خط مشی اصلی ساواک در میان توده‌ها یافتن عناصر آگاه و مبارز

"ساواک" این سازمان کیف و نگاه دارند، منافع امپریالیسم و نوکرانش در ایران باین شعبه سازمان سیا و بارهبری مستقیم ریچارد هلمز - خفاش کهنه کار - هر روز دست به بازی تازه‌ای میزند و با استفاده از تجارب چندین و چند ساله سیاست زور و استعمار امپریالیستی در ایران و سایر کشورهای روز خواب تازه‌ای برای مبارزان راه آزادی می بیند.

بسیاری از جنایات و دسائس ساواک بر ضد خلق ایران اکنون دیگر بر جهانیان روشن است، اما شایسته است که در مورد بعضی از برنامه‌های تازه‌ای که در ایران بوسیله این جنایتان خون آشام زرخورید امپریالیسم آمریکا پیاده میشود بیشتر سخن بگوئیم و نشان دهیم که چگونه ترس از مبارزه خلق امپریالیسم و نوکرانش را به انجام کیف ترین حیوانی ترین و شقی ترین اعمال بر ضد خلق ایران وا داشته است. این دسائس پیشک نمیتواند جز حاصل آخرین تراشقات مغز بیمارگونه جنایتانی مثل ریچارد هلمز و استفاده از کلیسه تجارب سالهای فراوان عملیات ضد خلقی و کیف استعماری برای سرکوب مبارزات خلقهای استوار زده باشد.

سیاست اختناق و فشار سیاست کهنه ساواک است. این اختناق هر روز بیشتر شدت میگیرد و شرایط کار را برای انقلاب بیسوی ایران هر روز مشکلتر از روز پیش میکند. استفاده از زندانهای قرون وسطائی و شکنجه‌های خوفناک خون آشامان "سازمان امنیت" آنقدر وقیحانه صورت میگیرد و آنقدر ادامه یافته است که هم اکنون تصور نمیشود که فردی را بیابیم که حساس به مسائل زندگی و سرنوشت انسانها باشد و چیزی در این باره نماند. اما شاید بسیاری از کسانی که در خارج از ایران بسر میبرند در مورد چگونگی عطف کردن این سازمان کیف نگاه دارند، منافع امپریالیسم و اعمال آن در ایران بی اطلاع باشند و همچنین در بسیاری موارد حتی خلقهای مقیم ایران هم به دسائس تازه ساواک توجه نکنند، زیرا که این دسائس از آخرین دستاوردهای جنایتهای ضد خلقی و تلاش مذبحخانه ولسی برداشته است در راه نابود ساختن روح آزادخواهی خلق ایران.

"سازمان حفظ امنیت امپریالیسم در ایران" برای یافتن عناصر آگاه مبارز از هیچ راهی فروگذار نمیکند. بر سر هر کوچک و لااقل در هر محله کوچک در تهران و شهرستانها فردی یا افرادی بمعنای مثل صاحب یک خانه، بقال، دستفروشی، گدا، میوه فروش، کاش، کارگر ساختمانی و ... که گاه با مبالغ بسیار ناچیز فریفته شده‌اند - و این فریبندگی بسیاری اوقات از فقر روز افزون و بیگاری مردم ایران سرچشمه میگیرد - مامور میشود که تا آنجا که در عهد هاش باشد ساکنان آن کوچه یا خیابان یا محله را تحت نظر بگیرد و رفت و آمدهائی را که بنظرش مشکوک میآید و همچنین نام اشخاصی را که طرز لباس پوشیدن برضار با مردم و صحبت‌هایشان با دیگران متفاوت است و بنظر میآید کافکاری غیر از آنچه که رژیم محمد رضا شاهی میخواهد در مغز آنها میگذرد گزارش دهند بطوریکه شخص بسختی میتواند بهمسایه خود، به بقال سرکوب هاش، به میوه فروش و به دوره گرد ها و گداها و شبگرد های اطراف خانه‌هاش اعتماد کامل داشته باشد.

این تعقیب بعد از خانواده همچنان از پائین ترین گروه موسسات اجتماعی تا بالاترین آنها ادامه می یابد.

در سالهای آخر دهه ارس و همچنین سالهای دوره راهنمایی (سه ساله اول دبیرستان) و دبیرستان (سه ساله آخر) محصولاتی بطور علنی یا غیر علنی بکار جاسوسی در کلاسها بر ضد همکلاسیهای خود و برای معرفی محصولاتی که کتاب میخوانند، در مورد وقایع اجتماع و سیاستهای رژیم کودتا سئوالاتی میکنند و احیاناً بر عم خود گروههایی کوچکی دارند، گمارده شده‌اند و این از زمره بهیمی ترین و وحشیانه ترین نوع عملیات ساواک در میان توده‌ها است.

تعداد نوجوانان کمتر از ۱۸ سال (بین ۱۲ تا ۱۸) که در تهران یا شهرستانها از این طریق یا بطریق دیگر گرفتار و زخم سازمان امنیت میشوند و بهمان شدت برادران و خواهران بزرگتر خود تحت شکنجه های بقیه در صفحه ۲

از "زری ای پیرولیت"

اعمال فشار و چاپلوسی رویونیست‌ها بر آلبانی تأثیری ندارد

رانقتن بر آب کرده و در دفاع از آزادی و استقلال خود در بنای سوسیالیسم پیروزیهای درخشانی بدست آورده است.

آلبانی، خورشید و میگویند که در تاریخ سیاست بین المللی بمثابة رهبران خائن به مارکسیسم - لنینیسم معروفند شناخت و آنها را بر سر جای خود ننشانید. آنها از طریق تحریم اقتصادی و سیاسی میخواستند آلبانی سوسیالیست را به سکوت وادارند و او را خفه کنند زیرا که آلبانی این شجاعت را از خود نشان داده بود که با قطعیت از مارکسیسم - لنینیسم دفاع کند.

آلبانی را در سراسر جهان می شناسند و از او با احترام یاد میکنند. دوستان و هواداران آلبانی که تعداد آنها در تمام قاره‌ها به طینها سر میزند افزایش می یابند. مواضع بین المللی آن تزلزل ناپذیر و غلبه ناپذیر است. دوستی عمیقی که بر پایه اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری استوار است آلبانی و چین تودهای را پیوند میدهد. سیاست حزب ما سیاست انقلابی مارکسیستی - لنینیستی است که نه بر مقتضیات روز متکی است و نه بر احتیاجات فوری و مستقیم. این سیاست کشور آزاد و مستقل سوسیالیستی است که با جسارت و استحکام از منافع عالیته خود دفاع میکند، با تمام نیروی خود برای پیشرفت و رفاهی واقعی خلق‌ها برای آزادی و دموکراسی همه کشورها میزند و در این مبارزه سهم خود را ادا میکند. ما احترام میگذاریم بدولتها و کشورهای که از سیاست مستقل و مبتنی بر حاکمیت پیروی میکنند، سیاستی که پاسخگوی خلقهای آنها، پاسخگوی صلح و امنیت عمومی است، ما احترام میگذاریم به دولتها و کشورهایی که در برابر نیات و اوامر دوا بر قدرت کمر خم نمیکند. جمهوری توده ای آلبانی در عرصه بین المللی از تمام روشهای صحیح دولت‌ها و کشورها - تیکه برای حفظ و حراست آزادی خود، بقیه در صفحه ۲

مدتی است در مطبوعات شوروی و مطبوعات رویونیست‌های دیگر مقالات بسیاری در مورد آلبانی انتشار می یابد. بعضی از آنها بسود "امتیازاتی" که گویا روابط اقتصادی با کشورهای شوروی تعاون اقتصادی در گذشته برای ما با رفغان آورده تبلیغ میکنند و تلقین میکنند که تجارت خود را با این کشور هاتوسعه دهیم. برخی دیگر امتیازاتی را منعکس میسازند که کشور ما بدست آنها خواهد یافت چنانچه بتواند با این یا آن دولت "زبان مشترکی" بیابد یا از این یا آن روش "آشتی ناپذیر" دست بردارد. بعضی حتی تا آن درجه پیش میروند که نشان میدهند سیاست دفاعی ما چه میباید باشد و برکی باید متکی باشیم.

خلق ما بخوبی میدانند که در پشت این نیت چمبخته است. خلق ما بیشتر از یکبار با سیاست شیطانیت زشت رویونیست‌ها روبرو شده که به مقضای وقت با لیخند ها و چاپلوسی‌ها با اعمال فشار و تحریم اقتصادی همراه بوده‌است. پاسخ ما قاطع و محکم بوده است.

آلبانی کیف، تاکتیک‌های آنها و کیف، اعمال خصمانه آنها

اطلاعیه مشترک

حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) اسپانیا و سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

اخیراً گفتگوی برادرانه و شریکشی میان هیئت نمایندگی کمیته مرکزی حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست) اسپانیا و هیئت نمایندگی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان صورت گرفت. دو هیئت نمایندگی درباره برخی مسائل مهم و وضع بین المللی مبارزه انقلابی در کشورهای خود به تبادل نظر و بحث پرداختند و در تمام مسائل مطروحه به وحدت نظر رسیدند.

هر دو هیئت نمایندگی بر آنند که تقویت مبارزه مشترک همه احزاب و سازمانهای مارکسیست - لنینیست علیه رویونیسم و اپوز - تونیسم بهر شگنی که تظاهر کند بمثابة شرط لازم برای پیش راندن مبارزه همه خلق‌ها علیه امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم شوروی علیه ارتجاع داخلی و بین المللی ضروری است.

زنده باد مارکسیسم - لنینیسم!
زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!

درودی بی پایان به پویندگان راه طبقه کارگر ایران!

گرائی ... بقیه از صفحه ۱
حافظ و مسئول چنین وضعی است .

حال همین شاه بعنوان پهلوان پنبه " مبارزه با گرائی " میدهد
آمد بود ستور " جهاد " با " گرانفروشان " صادر نموده است .
کسیکه سال ۱۳۴۱ گفته بود " تا ۱۰ سال دیگر بیسواد
در ایران ریشه کن خواهد شد " ولی بعد از ۱۳ سال هنوز
تغییر محسوس در این زمینه رخ نداده است ، کسیکه ادعا
کرده بود " ایران از زاین و سوئد جلو افتاده است ، کسیکه
یاوه گوئی هایش معروف خاص و عام است بار دیگر ستوری شایسته
صادر کرده است مبنی بر اینکه " تا یکماه دیگر بایستی گرانفروشی
ریشه کن شود " ، درین آن تمام نوکران خرید و کلان امیرالایم و
جیره خواران دیار پهلوی از نخست وزیر گرفته تا استاندار ،
از وزیر کشور گرفته تا پاسبان سرکوه ، از صاحب کارخانه ایران
ناسیونال گرفته تا " اطاق بازرگانی و صنایع و معادن " ، از
" کمیته " دولتی برای نظارت بر قیمتها گرفته تا " اطاق اصناف و
بارفروشان " از کیهان گرفته تا خواننده " رادیو همه یکصد شده
گفتند و نوشتند که " تا یکماه دیگر ۲۳ مرداد ۵۴ در استان
گرانفروشی پایان خواهد یافت " ، و منظور آنکه این بار " جدی
صحبت کرده باشند " مجازات اعدام برای متحرکان و گرانفروشا
اعلام داشتند . مجلس سه ساخته نیز پیشنهاد دولت را تصویب
کرد . در این صوبه آمده است که " مجازات اعدام تا سه سال
زندانی پرداخت تا ۵۰۰ هزار ریال جریمه نقدی لغو
پروانه کسب و تعطیل محل کسب تا یکسال کیفر افراد یکسب
به گرانفروشی ، کم فروشی ، تطبیق در مواد غذایی ، احتکار و پنهان
کردن مواد مورد احتیاج عمومی کنند .

" این افراد به موجب این قانون در دادگاههای
نظامی محاکمه میشوند " (! ! !) . (کیهان ۲۵ تیر ۵۴) در
واقع این فرمان شاهانه جدید نیست . دره خرد در سال ۵۲
نخست وزیر بدستور پدر " تاجدارش " اعلام کرد که " با گران
فروشی شدیداً مبارزه میشود " بدنبال آن " کمیته " دولتی برای
نظارت بر قیمتها بوجود آمد . سپس این " کمیته " قیمت ۱۴۸۰
کالا را اعلام داشت و بعد از آن به جلب و تعطیل مغازه
گرانفروشان پرداخت بطور متوسط در سال ۱۳۵۲ هر روز ۱۴۰
" گرانفروش " روانه هفت دادگاه میشدند . (کیهان) هر روز
در طی ۱۸ ماهی که از کار " کمیته " میگردد ۵۴۷ نفر از این
" گرانفروشان " بدادگاه هارفتند . (کیهان ۲۴ تیر ۵۴)
و بیلان این " مبارزه " شدید " در طی این مدت صعود قیمتها
تا تقریباً دو برابر بوده است . تعطیل مغازه ها گذشته از این
که عرضه کالاها را کاهش میدهد و بازار سیاه ایجاد میکند زمینه
رانیز برای جانسختن آنها با " فروشگاههای بزرگ " با
دست سرمایه داران بزرگ داخلی و خارجی فراهم میآورد . شاه
صریحاً در نطق خود بمناسبت سلام " میثت " باین مطلب اشاره

میکند .
نمایش امروز همان تئاتر دیروز است که رنگ و روغن
بیشتری بآن مالیده شده است تاجنبه " عوامفریبانه " بیشتر
بخود گیرد . اینک بازم " کمیته " علم شده است و تعدادی
" بازرگانی " بان اضافه گردیده تا حنای بیرنگ دو سال پیش را
مجدداً آرایش کند و بازم تمام قیمتها را تثبیت کند . اگر
در دفعه پیشین قیمت ۱۴۸۰ کالا را " تثبیت " کرد این بار
شق القرش " تثبیت " ۶۴۰ ظم کالا بوده است . بازم تصانیف
گاسه کوزهها بر سر خرده فروشان شکسته میشود و تمام تصدیدا
متوجه آنهاست ، بازم آنها خواهد بود که قربانی " مبارزه "
شدید با گرائی " جدید خواهند شد . " دولت " از همه مردم
طلب کرده است به تحریم " گرانفروشان " بپردازند ، آب و سرگردا
مستقیماً گران میکنند و قیانه از مردم میخواهد که در مصرف آن
صرفه جوئی کنند .

هویدا در یک گفتگو اظهار داشت که ... اگر هموطنان
ما نیز همکاری کنند و از گرانفروشان خرید نکنند ، کمک بزرگی
باین مبارزه خواهند کرد . " روز نامه های دیاری هم در
" پرسش همگانی " از قول شخصی در رابطه با " تحریم گران
فروشان " مینویسند که " موزیک را حتماً از دستگاههای گران
قیمت گوش نکنیم " و یا " برای مثال مبارزه با گرائی شامپورا
میتوان از طریق مصرف کمتر دنبال کرد ، یعنی در عرض ۴ بار
استحمام در هفته دوبار استحمام کرد . " (کیهان ۲۹ تیر ۵۴)
گویا ۹ درصد مردم ایران از هر نظر تاملین اند و همه چیزشان
فراهم است و تنها عییشان این است که در " پارتی های شبانه "
شان موزیکهای جاز را با دستگاههای استریوفونیک شریاندی
پخش میکنند و زیاده حمام میگیرند ! !

بدیهی است این نوع اقدامات هراندازه هم که با هیاهو
و عوامفریبی همراه باشد نمیتواند مسئله گرائی را حل کند .
گرائی سرسام آور کوفتی قبل از هر چیز معلول پائین
بودن سطح تولید است . سطح تولید بویژه تولید وسائل مورد
نیاز آنچنان پائین است که حتی کفایت قوت لایموت مردم را نیز
نمیدهد ، کمپایی و گرائی نتیجه ناگزیر چنین وضعی است .
" انقلاب سفید " " ملوکانه " بتولید کشاورزی ایران ضربات
سنگینی زد ، تولید داخلی را کاهش داد .
در نتیجه ایران که خود قبلاً از صادرکنندگان مواد غذایی
بود امروز بنا بر اظهار وزیر کشاورزی ۵۰ درصد از احتیاجات
خوراکی اش را از خارج وارد میکند . بنابه گفته تهران اکنون
میست " احتیاج ما به خارج برای تامین نیازمندیهای کشاورزان
روز بروز زیادتر میشود " . ورود گندم قند و شکر ، چای ، پنیر ،
برنج ، سیب زمینی ، پیاز ، گوشت ، میوه و ... نشانه آنست
که کشاورزی در زمینه کشاورزی نیز وابسته به کشورهای امپریالیست
شده است .

خط مشی اصلی ... بقیه از صفحه ۱
نیست . این محافظان حکومت استعماری امپریالیستی در ایران میخواهند بخیال خودشان افکار انقلابی را در همان نطفه خفه سازند و
عناصر آگاه را از همان کودکی تحت نظر قرار دهند و احیاناً بزنند گیشان خائمه دهند ولی مابینمی بینیم که این اقدامات گزینی هیژی است بر
هر آتش انقلابی که در دلهای کوچک این نونهالان زبانه میکند .

گاه در هر کلاس سیک نفر و یاد هر مدرسه چند نفر بطور بخیفی مامور تهیه گزارش اند از رفتار دانش آموزان در کلاس در محیط مدرسه
در بیرون از مدرسه و از رفت و آمدها و سخنانی که بین آنها رد و بدل میشود و یا از روزها بی که دارند و بزبان میآورند و بسیاری از
اوقات خود این تازه پایان معصوم از اهمیت ردالت کاری کمیکنند آگاه نیستند و تصور میکنند که فقط مامور ساده " انتظامی " و برای
مدرسه خود و بچه ها و مانع شدن از انحرافات آنها کار مفیدی انجام میدهند .
بتازگی در هر کلاس سیک نفر بطور علنی جزو کمیته " ملی و میهنی " مدرسه است . و این شخص در حقیقت پلیس کوچکی است که
بطور علنی در مقابل دانش آموزان که افکار مخالف رژیم دارند به مخالفت برخیزد .
این دو گروه غیر از کنترل دانش آموزان معلمان را هم در کلاس کنترل میکنند .
از سوی دیگر بتازگی قانون فاشیستی جدیدی بطور غیر علنی اجرا میشود . رئیس هر مدرسه یا دبیرستان باید با سازمان
در ضمنی امنیت بطور مستقیم یا غیر مستقیم همکاری داشته باشد و از کار حاصلین مشکوک گزارش دهد و نیز گزارش ماهانه ای از کسار
معلمین تهیه نماید .

ملک تشخیص یک معلم آگاه فد رژیم برای این محتضران فقط میتواند این باشد که او ساده لباس میپوشد ، اگر زن باشد
آرایش نمیکند . رفتارها با حاصلین صمیمی و مهربانانه است حاصلین باو اعتماد زیاد دارند و بخصوص اینکه اگر یک معلم در سر کلاس
گوشه ای از فشارها و اجحافات را بنمایاند و حاصلین را بدقت بیشتر در اطراف خود و اندیشیدن و دیدن مقاصد اجتماعی و ریشه
اصلی آنها و فریب نخوردن و در دام تبلیغات سراسر دروغ نینفادن ترغیب کند اتهام بزرگی بر او وارد است .
اگر معلم ادبیات است تمام موضوعات انشائی اوسطالی که بعنوان شعور و مقاله در سر کلاس میخوانند مورد کنترل شدید قرار دارد .
محصلین فراوانی بعلت خواندن کتابهایی غیر از کتابهای افسانه ای ، عشقی یا پلیسی جنائی و یا با تمام داشتن روابط دوستی
برایهای غیر از مسائل درسی یا ورزشی و یا سکسی به سازمان سفک امنیت خوانده شده و از آنها بازجوئی بعمل آمده است و آنها
را از خواندن کتابها و داشتن ارتباطات گذشته منع کرده و تهدید کرده اند که در صورت ادامه این رویه سروکارشان با زندان و
شکجه و مرگ خواهد افتاد .

البنه سوجوشی و آزمندی مشتق سرمایه دار و انتقال
تورم دنیای سرمایه داری بایران از طریق بازگذاشتن درهای
کشور بروی محصولات خارجی عوامل دیگر گرائی اند . ولی در
هر حال عامل اساسی پائین بودن سطح تولید است .
تا زمانیکه امپریالیسم بر کشور ما تسلط است وضع
زندگی مردم ما چنانکه تاریخ دهه های اخیر نشان میدهد
همواره بیشتر رو به خرابی میروید ، برانداختن رژیم شاه و همراه
با آن برانداختن هر گونه نفوذ امپریالیسم شرط لازم برای رشد
نیروهای مولد و بهبود زندگی توده های زحمتکش است .

اعمال ... بقیه از صفحه ۱
استقلال خود و حاکمیت
خود برای نیل به آزادی ملی یا اجتماعی میروند پشیمان میکنند
اما دولت های کوچک و متوسطی یافت میشوند که سیاست
مستقل ندارند متکی با اعتبارات آمریکا یا شوروی اند بدنبال
نوسانات سیاست و ابر قدرت میروند .
کشور ما از سیاست کاملاً متفاوت دیگری پیروی میکند سیاست
وی تابع اعتبارات و تجارت نیست . اعتباراتی که جمهوری توتله
آلبانی تحصیل کرده و تجارتی که میکند در هیچ موقع و هیچ
مسئله ای بر سیاست صحیح اصولی و انقلابی آن تاثیر نگذاشته اند .
کسیکه تصور میکند که آلبانی سیاست مارکسیستی لنینیستی
خود را تغییر میدهد باین علت که باین کشور هزارتن بیشتر کرده
بآن کشور صدتن کمتر توتون میفروشد حسابش غلط است و عمیقاً
اشتباه میکند .

همین طور کسیکه تصور میکند که سیاست آلبانی بطور کلی
وسیاست دفاعی آلبانی بطور خاص - سیاسی مبتنی بر تحلیل
مارکسیستی لنینیستی واقعی برای آنکه بد رستی تعیین کند دشمنان
که اند - بر نوسانات سیاستهای دولت های مختلف ریز یونیست
متکی است ، این کس چشم خود را فروبی بندد و چیز پراتمیز نماید
دفاع آلبانی سوسیالیست بر شالوده " مسلح ساختن
تمام خلق استوار است ، استوار است بر اراده " خلق به تن -
دادن به هر گونه فد اکاری برای دفاع از آزادی و استقلال خود
دفاع از دستاوردهای انقلاب بودهای و ساختمان سوسیالیسم
با تمام وسائل و تا پایان .

آلبانی همانطور که رفیق انور خوجه در نطق ۳ اکتبر گفته
خود در برابر انتخاب کنندگان اعلام داشت با دولت های مختلف
از سیاست حسن همجواری پیروی میکند ، سیاستی بر اساس
اصول عدم مداخله ، تساوی و همکاری بسود طرفین . جمهوری
تودهای آلبانی این سیاست مارکسیستی لنینیستی را بحراج
نمیگذارد و آنرا موضوع بحث قرار نمیدهد .
آلبانی به هیچ دلیلی تعادل سیاست خود را بر هم نمی
و اجازه نمیدهد که دولتی که بنسبیت تبلیغات دروغین خود
شناخته شده است بگوید که هدفهای حسن همجواری کشورهای
ما نتیجه " وارفتن " روشهای ما است ، نتیجه " تغییر سیاسی یا
ایدئولوژیکی " می دولت دیکتاتور پرولتاریا در آلبانی است .
آنهاست که خویش آلبانی را نمیخواهند و می پندارند که برای آنها
آسان است که یک سیاست ریز یونیستی و بازاری را با تحمل
کنند باید از خیالات واهی خود دست بردارند .

رفیق انور خوجه در نطق ۳ اکتبر ۱۹۷۴ خود گفت
" سیاست مایسکوی ضافع خلقها است و نه پاسکوی ضافع
دارودسته ها یا ایدئولوژیهای که خلقها را تحت ستم درمی
آورند ، این سیاست در پی دوستی خلقها است و نه در پی
دوستی کسانی که خلقها را سرکوب میکنند . سیاستی مبتنی بر
مقتضیات روز نیست سیاست اصول پرولتاریائی است . این
سیاست از دیپلماسی صغی و پشت پرده ، از دیپلماسی بند و
بست های امپریالیست از دیپلماسی به حراج گذاشتن ضافع
کشور خود و کشورهای دیگر سرچشمه نمیگیرد ، سیاست کشور ما
سیاست دولت های نیست که ضد پرچم در جیب خود دارند .
جمهوری تودهای پرچم خود را نه در برابر شانتاز و ارعاب پائین
میآورد و نه در برابر روپل و دلار " .

آلبانی نوین در زمانی که گامهای اولیه را بر میداشت
در زمانیکه هنوز فد راست نکرده بود توانست در برابر توانها
ریزیونیستی ، در برابر مداخلات و فشارهای متنوع دشمنان
مختلف ایستادگی کند . آلبانی اکنون از لحاظ اقتصادی
بسیار استحکام یافته است و بهمان اندازه از لحاظ سیاسی و
ایدئولوژیکی . به همین جهت است که با غرور در راه خود گام
بر میدارد و بد رستی راه خود ایقان دارد و بقیه از صفحه ۳

مسئله قهر در انقلاب ویتنام

تجربه انقلاب ویتنام طی قریب چهل سال پرورشش نشان میدهد که انقلاب قهرآمیز تنها راه صحیح نیل به استقلالی و دموکراسی توده‌ای و سوسیالیسم است (تکیه از ما است).

اعتصاب... بقیه از صفحه ۴ میگردد. بخش عمدتاً میان هیئت مدیره تقسیم میشود. فشار بر کارگران بسیار زیاد است. کارگران عملاً فاقد اتحادیه‌های کارگری اند. سازمان امنیت همیشه فرد مورد نظر خود را بعنوان نماینده کارگران تحویل میکند که هیچگاه ادعای حقوق کارگران نیست. سازمان امنیت در تمام جشن‌ها و تظاهرات "شاهنشاهی" کارگران را بزور در تظاهرات شرکت میدهد. به اندک اشتباهی در کار یا اختصار ایستادگی در برابر سرپرست و زمین‌هست کارگران فورا از کار اخراج میگردد و شورای حل اختلاف کارگران در اداره کار همیشه به نفع کارخانه رای میدهد. روزهای قسماً به بهانه‌های ناچیز کارگران را کتک میزنند. جرمینه میکنند.

وضع بیمه بسیار بد، در درمانگاه بیمه بجز چند نوع کرد و شربت چیزی پیدا نمیشود. رفتار نگهبانان کارگران بسیار زننده، خشن و بی ادبانه است. کارگران را حتی در خواب نیز در بیمارستان نمی خوابانند.

با آنکه دستور کارگران کم است معذک تعداد بیکاران در پشت در کارخانه بسیار است. نماینده وزارت کار رئیس کارگزینی برای آنکه کارگری را استخدام کند از ۵۰ تا ۲۰۰ تومان رشوه میگیرد و کارگران بیکار که معمولاً از دهقانان قاتیلکلا و سایر کلا میباشند برای بدست آوردن کار باید هستی نیستی خود را باین مفتخواران بیسازند.

چپاول و دزدی و فساد در سراسر بخشهای کارخانه چشم میخورد. در این میان آنکه رنج میرورد محرومیت میکند کارگزار است. چنین است شعبای و فقط شعبای از وضع کارگران در کارخانه شاهی. با این ترتیب کاملاً طبیعی است اگرگاه بگاه کاسه صبوری طاقت کارگران لبریز شود و دست به اعتصاب زنند تا شاید در وضع زندگی و کار خود اندکی بهبود ایجاد کنند.

رئیس شاه حامی و محافظ منافع سرمایه داران بزرگ داخلی و خارجی است. استثمار هرچه بیشتر طبقه کارگر و فاسد است تمنا با مبارزه اقتصادی آنهم مبارزهای خود رو برانگیده از این رژیم انتظار زیادی برای طبقه کارگزینیست. این وظیفه مارکسیست - لنینیستها است که طبقه کارگر را از مبارزه خود رو برانگیده بفرمانند. گام اول در این راه یافتن طرقی برای تماس با کارگران است و این کار غیرممکن دشواریهای موجود شده است.

میتوانند از کتک به کشورهای فقیر و کم - رشد دم بزنند ولی نه از تدارک جنگ میتوانند بهره‌مندند. سرمایه داری امپریالیستی است. اتحاد شوروی با خیانت به طبقه کارگر و احیای سرمایه داری بیک کشور امپریالیستی نیرومند تبدیل شده است. سیاست او نیز ناگزیر در انطباق با تکامل جامعه امپریالیستی است. تمام پدیده‌هایی که در اقتصاد، سیاست و ایدئولوژی اتحاد شوروی بروز میکند و از آنجمله توسعه طلعی آن، همه انعکاسی از زیربنای سرمایه داری امپریالیستی است. بنابراین تعجب آور نیست اتحاد شوروی اسناد کشورهای سوسیالیستی و اسناد احزاب کمونیستی و کارگری را بصورت ورق پاره‌های بی ارزش در آورده است. تعجب آور نیست اگرچه اصول تساوی حقوق، عدم مداخله در امور داخلی دیگران، مراعات استقلال، حاکمیت و تمامیت ارضی کشورهای دیگر و بگر واقعی نمیکند. تعجب آور نیست اگر چکسلواکی را که زیر بار تحمیلات او نفرت با نیم ملیون سرباز و صدها تانک و هواپیما اشغال میکند و رهبران حزب و دولت آنرا "کت بسته" به مسکو میفرستد و در آنجا بزور قراردادی را که مابیه سرفاکندگی و سرکشی است به آنها تحویل مینماید.

اعمال... بقیه از صفحه ۴ مطمئن است که نیروی نیست که بتواند بر او چیره شود و او را به تغییر سیاسی و ایدئولوژیک وادارد. همیشه امروز مانند گذشته روحیه "انترناسیونالیستی" در او زنده است و احساس همبستگی رزمنده نسبت به تمام کسانی که بخاطر انقلاب سوسیالیسم آزادی ملی و دموکراسی میروزند هرگز در او نقصان نمی یابد.

آلبانی همیشه ثابت کرده است که از دوستان مارکسیست لنینیست در لحظاتی دشوار با نهایت وفاداری دفاع نمود. است و به این دفاع بمثابة وظیفهای نگریده که آرمان بزرگ و مشترک کمونیسم را تقویت میکند. کشور ما با خون فرزندان خود که برای شرکت در آزادی خلقهای برادر اعزام داشته نشان داده است که تا چه درجه با خلقهای که علیه فاشیسم پیوسته همبستگی دارد و چه گونه از آرمان مشترک ضد فاشیستی پشتیبان کرده است. در آینده نیز با همین قاطعیت و با بیگیری پیشروی خود را در این راه ادامه خواهد داد.

اتحاد شوروی خواهان سیادت برجهاست باین علت که یکی از دو قدرت بزرگ امپریالیستی است و دارای نیروی اقتصادی سیاسی و نظامی عظیمی است بنابراین چه جای آنکه او را در ردیف کشورهایمانند الجزایر، کینه و مصر، پرو و حتی کشورهای پیشرفتهایمانند آلمان، فرانسه و انگلستان و... قرار دهند؟ چه جای آنکه از او بخواهند به انطاق همه ولت‌ها و خلق‌ها در بازه سرنوشت جهان تصمیم گرفته شود. اتحاد شوروی گویا مسئولیتی بیش از دیگران دارد چون زور بیشتری دارد. بر دنیای امپریالیسم قانون جنگل حکم میزند و اتحاد شوروی متعلق به این دنیا است. "مجله" شوروی زندگی بین الطلی (در رشتا ۱۹۷۲ / ۳) خود به این امر صریحاً اعتراف میکند.

لنینیست در لحظاتی دشوار با نهایت وفاداری دفاع نمود. است و به این دفاع بمثابة وظیفهای نگریده که آرمان بزرگ و مشترک کمونیسم را تقویت میکند. کشور ما با خون فرزندان خود که برای شرکت در آزادی خلقهای برادر اعزام داشته نشان داده است که تا چه درجه با خلقهای که علیه فاشیسم پیوسته همبستگی دارد و چه گونه از آرمان مشترک ضد فاشیستی پشتیبان کرده است. در آینده نیز با همین قاطعیت و با بیگیری پیشروی خود را در این راه ادامه خواهد داد.

گرومکو در نطق خود در برابر شورای عالی اتحاد شوروی در ۱۶ ژوئیه ۱۹۶۹ از اینها فراتر نرفته است: "اتحاد شوروی بمثابة قدرت بزرگ جهانی، روابط بین الطلی وسیع و روزافزونی دارد و در حوادثی که علی رغم مسافت جغرافیایی خود با امنیت و اذیت دوستان ما برخورد میکنند نمیتوانند پاسیف بمانند." بنا بر گرومکو هر یک از امنیت شوروی که سراسر جهان روابط سیاسی دارد و بعد و در مرزهای شوروی متحد و نماید و افاق‌های دوردست را نیز دربر میگیرد. امنیت که برای "امنیت" خود و "امنیت" دوستان خود بخود حق میدهد و در تمام کشورها اخله میرد از چنانکه هم اکنون بدان مشغول است بخود حق میدهد نیروهای زمینی، هوایی و دریایی خود را بمناطق دوردست گسیل دارد تا اگر "حوادثی" روی داد به بهانه "امنیت" شوروی یا "امنیت" دوستان شوروی وارد عمل شود.

امپریالیستها، روزیونیستها و متحدان آنها باید بدانند که خلق آلبانی و حزب آن هرگز فریب نخورده اند و هرگز فریب دامهایی را که میخواهند ماراد آنها ببانند از بند رخنه کنند نخواهند خورد. آنها دشمنان سوگند خورده کشورهای ما و سوسیالیسم در آلبانی دشمنان لنینیسم، انقلاب آزادی خلقها بودند و میباشند.

بیک کلام شوروی سالیته در حال حاضر همراه با امپریالیسم آمریکا - قهرمان است و تاریخ ساز اتحاد شوروی اگر در حال حاضر هواداران دارد و قطعی جهان است ولی در این رامیش میبرد که هرزبونی خود را بر سراسر جهان بگستراند و فرمانروائی بر جهان را بیکوتنه بدستگیرد. او میخواهد تمام کشورهای جهان را مانند بلغارستان و یوغوسلوانی و... تحت سیطره خود در آورد و بر آنها فرمان براند. اگر اکنون در برابر قدرت آمریکا مجبور است تعجب از این مناطق نفوذ با اوتقسیم کند ولی هدف او از رقابت با امپریالیسم آمریکا اینست که هرزبونی آمریکا را در آنجا که بر قرار است تضعیف کند و هرزبونی خود را بجای آن بنشاند و همین رقابتیان در با بر قدرت بر سر هرزبونی جهانی است که دنیا را بسوی جنگ جهانی سوم سوق میدهد. اما تاریخ ساز خلق است و خلق به بلند پروازیهایشان گسیخته و با بر قدرت دهانه خواهد زد و سرنوشت خود را خود در دست خواهد گرفت.

حزب ما پرورشی فهماننده است که ما هرگز با آنها سر آشتی نخواهیم داشت، که ما هرگز در سلك دوستان آنها در نخواهیم آمد بلکه همیشه دشمن آنها باقی خواهیم ماند.

نشریه شماره ۴۰

توفان سال هفتم

عنوان مکاتبات X.DR.GIOVANNA GRONDA 87030-ARCAVACATA (CS) ITALY حساب بانکی X.DR.GIOVANNA GRONDA CONTO 17549/11 CREDITO ITALIANO AGENZIA 16 MILANO / ITALY

جنبش دانشجویی ایران باید از انحلال کنفدراسیون جلو گیرد

سیاست خارجی نواستعماری شوروی

سیاست اقتصادی شوروی در ارتباط با کشورهای کم‌رشد و کشورهای رومیزیونیستی اروپای شرقی چنانکه طی مقالات گذشته آمد مانند هر امپریالیسم دیگر سیاستی است نواستعماری که هدف آن تامین تجارت نواستعماری و بسط و توسعه آن و تامین صدور سرمایه از طریق "کک" های اقتصادی، مالی، وقتی و اینها همه بخاطر غارت ثروتها و دسترنج خلق ها و وابسته ساختن کشورها به اتحاد شوروی از لحاظ اقتصادی که ناگزیر وابستگی سیاسی و نظامی را نیز به همراه میآورد.

شرط لازم و کافی برای نیل به این هدف اینست که کشورهای کم‌رشد همچنان کم‌رشد باقی بمانند و از آزادی و استقلال واقعی برخوردار نباشند، چون کشور آزاد، مستقل و شکوفان اجازه نخواهد داد ثروتهای وی بتاراج رود، اجازه نخواهد داد دسترنج زحمتکشانی وی را بعنوان کوناگون از کف آنان بر بایند، اجازه نخواهد داد اقتصاد، سیاست و نیروی نظامی وی تحت کنترل دیگری در آید.

بسخن کوتاه یک کشور آزاد و مستقل تن به استعمار نمیدهد و در برابر آن با تمام قوا می ایستد. نتیجه روشن است. اتحاد شوروی برای نیل به هدف خود، مانند هر امپریالیسم دیگر در سیاست خارجی هوادار حفظ اسارت خلقها و عقب ماندگی آنها است، هوادار سرکوب خلق ها و نیروهای انقلابی است که بخاطر آزادی و استقلال میروزند همواره در برانداختن کشورهای سوسیالیستی است که با پشتیبانی همه جانبه خود از مبارزه آزاد بیخس خلق ها در برابر آژندیهها و مصادم وی سدی ایجاد میکنند.

بدینسان سیاست خارجی شوروی مانند سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا یا هر امپریالیسم دیگر سیاستی ارتجاعی و ضد-انقلابی است، سیاستی است که با مبارزه خلق ها بخاطر آزادی و استقلال، بخاطر سوسیالیسم بمقابله بر میخیزد. پشتیبانی از شاه و اقدامات نواستعماری وی، فروش اسلحه بوی و محکوم ساختن جنبش ضد امپریالیستی ایران، محکوم کردن قیام ۱۹۶۸ پاریس و تایید عدم شرکت یازده ملیون کارگر اقتصادی در این قیام، فروش اسلحه به سوارتوی سلاح و اعزام کارشناس نظامی به اندونزی برای سرکوب ارتش آزاد بیخس خلق اندونزی، چشمت زدن به چانگایش و رژیم پوتالی کره جنوبی، پشتیبانی از رژیم لون نول در کامبوج، پشتیبانی از کاندی نخست وزیر هند حتی زمانی که کارگران اقتصادی را به گلوله می بندند و هرگونه آزادیهای دموکراتیک را تعطیل میکند، کمک کادرفنی و سرباز با اسرائیل برای تقویت بنیه اقتصادی و نظامی آن، جلوگیری از بازستاندن سرزمینهای اشغالی اعراب و حفظ وضع "نه جنگ و نه صلح" با تحویل فقط اسلحه، دفاعی به مصر، کمک به دولت عراق برای سرکوب خلق کرد، شکستن اعتصابات کارگران در اسپانیا و نروژ و هر جای دیگری که امکان چنین کاری باشد، همکاری نزدیک با امپریالیسم آمریکا، این پشتیبانی ارتجاع جهانی و ژاندارم بین المللی... اینها است مظاهری از سیاست ضد انقلابی امپریالیسم شوروی در عرصه جهان.

با اینکه سیاست خارجی شوروی ضد انقلابی است اما شوروی باین امر تظاهر میکند که از مبارزه خلقها علیه امپریالیسم و ارتجاع پشتیبانی میکند. اتحاد شوروی در واقع همان نقشی را بازی میکند که آمریکا پس از جنگ دوم جهانی بازی کرد. در گذشته بسیاری از خلق ها آمریکا را بشا به سرزمین آزادی و غمخوار ملل مظلوم و مستکرمی شناختند. امپریالیسم آمریکا با بهره برداری از این پدیده و برای نفوذ در کشورهای زیر سلطه استعمارگران اروپائی خلقهای این کشورها را علیه استعمارگران برسی انگیزت و به آنها برای "رهائی" از یوغ استعمار کک میروسانید. از این طریق بتدریج استعمارگران کهن را که در نتیجه جنگ ضعیف شده بودند میرواند و نفوذ خود را بجای نفوذ آنان می نشانید. فراموش نکنیم که آمریکا برای گرفتن سهم خود از شرکت نفت انگلیس در ایران در آغاز به نهضت خلق های ایران علیه شرکت نفت جنوب روی خوش نشان داد، عمل خود را در درون "جبهه ملی" جای داد که برای ملی شدن صنعت نفت سینه چاک کردند. بعضی از آنها "سرباز فدائکار سپهن" لقب گرفتند. اما همینکه نفت جنوب از دست شرکت انگلیسی بیرون شد و دگر صدق در برابر مطامع آمریکا ایستادگی کرد او را رها کردند و علیه او مبارزه برخاستند تا آنکه کردتای ۲۸ مرداد به حکومت ملی دگر صدق پایان بخشید و امپریالیسم آمریکا از آن پس بتدریج توانست جای امپریالیسم انگلیس را در ایران بگیرد.

اکنون نیز امپریالیسم شوروی شعار مبارزه با استعمار و ارتجاع را سر میدهند و بظاهر خود را هوادار آزادی خلقها مینمایند اما نه برای آنکه واقعا خواستار آزادی و استقلال خلقها است، بل برای آنکه استعماری و ارتجاعی را براند و استعمار خود را بجای آن بنشانند؛ امپریالیسم شوروی حق ملت ها در تعیین سرنوشت خود را به پیش نمیکشد. امانه برای آنکه خواهان آزادی و استقلال خلقها است، بل برای آنکه کشور کثیرالطوائف تجزیه کند و بخشهایی از آن را تحت نفوذ خود در آورد؛ امپریالیسم شوروی از استقلال اقتصادی خلقها دم میزند، اما نه برای آنکه خواستار پیشرفت اقتصادی کشورها است، بل برای آنکه با "کک" های اقتصاد خود نخست کنترل اقتصاد کشور را بدست گیرد و بدینال آن سلطه سیاسی و نظامی خود را برقرار کند. "کک" های شوروی به نهضت های ضد استعماری برای آزادی و استقلال خلقها نیست، وسیله نفوذ نواستعماری شوروی در کشورهای مختلف و استقرار یوغ نواستعماری خویش است.

سیاست خارجی شوروی تنها ضد انقلابی نیست توسعه طلبانه است، سیاستی است برای توسعه مناطق نفوذ با وسایل اقتصادی، سیاسی و نظامی. توسعه طلبی نقض اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر است، نقض حق حاکمیت دولتها است، نقض حق همه خلقها در تعیین سرنوشت خویش است.

توسعه طلبی خصوصیت اساسی امپریالیسم و مؤلف اقتصاد سرمایه داری امپریالیستی است. ریشه های آن در وجود انگضا است. در سیستم امپریالیسم توسعه طلبی با رشد ناموزون اقتصادی و سیاسی قدرتهای امپریالیستی همراه است. اتحاد شوروی طی ۲۰ سال اخیر بسرعت رشد کرد. البته پایه های سوسیالیستی گذشته زمینه را برای چنین رشد سریعی فراهم آورده بود. و امروز نه تنها امپریالیست های اروپای غربی و ژاپن را پشت سر گذاشته حتی در بخشهایی نیز بر آمریکا سبقت گرفته است. این تفوق در زمینه های اقتصادی، سیاسی و نظامی نمیتوانست و نمیتواند با سیاست توسعه طلبانه همراه نباشد. در واقع هم امپریالیسم شوروی پس از آنکه گتزهائی از اروپای شرقی و مغولستان را بصورت کشورهای نیمه مستعمره خود در آورده نفوذ خود را براساس جهان بسط داده است و اکنون داعیه سیادت بر جهان را در سر می پروراند، به حرم امپریالیسم آمریکا تجاوز میکند. رقابت این دو ابر قدرت بر سر استیلای بر جهان، همراه با سابقه تسلیماتی غنان گسیخته ای که میان آنها در گرفته است دیری از د دنیا را در برابر جنگ جهانی سوم قرار خواهد داد.

احزاب کمونیست و کشورهای سوسیالیستی بارها اعلام داشته اند که در جهان میان کشورهای بزرگ و کوچک، قوی و ضعیف تفاوتی نیست، میان احزاب بزرگ و کوچک فرقی نمیتوان گذارد؛ که در جنبش کمونیستی حزب فرمانروا و "پدر" و احزاب فرمانبر و "فرزند" وجود ندارد. در اعلامیه جلسات احزاب کمونیستی کشورهای سوسیالیستی در شماره ۱۹۵۲ چنین آمده است: "کشورهای سوسیالیستی روابط خود را با یکدیگر بر اصول تساوی کامل، احترام به تمامیت ارضی، استقلال و حاکمیت دولتی، عدم مداخله در امور دیگران... استوار خواهند ساخت. تمام مسائل مربوط به روابط میان کشورهای سوسیالیستی میتوانند بطور کامل با بحث و مذاکره برادرانه و بر اساس مراعات اکید اصول انترناسیونالیسم پرولتری حل و فصل شوند."

اتحاد شوروی پای این سند امضا کرده است اما آنچه که کوچکترین توجهی بدان نداشت و ندارد مراعات همین اصول است. شوروی با تجاوز به چکسلواکی آشکارا و علنا به اصول "تساوی کامل" و "احترام به تمامیت ارضی و استقلال و حاکمیت دولتی" و "عدم مداخله در امور داخلی دیگران" پشت پا زد و جز این هم نمیتوانست باشد چون آنچه که بر روابط شوروی با دیگر کشورها از آنجمله کشورهای "سوسیالیستی" حکومت میکند سیاست خیرخواهانه تحت عبارات زیبا و مردم فریب نیست. قوانین تکامل جامعه است. کشورهای امپریالیستی میتوانند صدها و هزاران بار در باره صلح سخن گویند، بقید صفحه ۳

اعتصاب کارگران شاهی

طبقه کارگرایان دارای گذشته ای پرافتخار و سنت مبارزه دیرینه است. خصلت انقلابی او که از خصلت طبقاتی او برمیخیزد شاه و طبقه حاکمه را بر آن میدارد که توجه کارگران را بخود جلب کند تا هم از مبارزه طبقاتی آنها جلوگیری کند و هم با استثمار آنها شدت بخشد. رژیم شاه که این همه سنگه کارگران "عزیز" را به سینه میکوبد و کارگران را در سود کارها و خرید سهام کارخانه "شرکت" میدهد همین دودمدی را در مد نظر دارد.

علیرغم جابجاییها و تبلیغات شاه وضع طبقه کارگر رقت انگیز است: دستمزد کم، روز کار طولانی، شرایط کار طاقت فرسا و همه اینها همراه با کثرت خوراک و پوشاک مسکن و درمان عرصه را از کلیه جهات بر کارگران تنگ کرده است. با این احوال شاه در سلام "مبعث" مطالبه افزایش دستمزد را برای کارگران بدغن کرد.

طبقه کارگر برای مبارزه بخاطر بهبود زندگی و شرایط کار سلاحي بجز اعتصاب ندارد. اما رژیم که امکان تشکیل سندیکا های واقعی به کارگران نمیدهد و از کفه اعتصاب هم خوشش نیامد میکوشد جلوی مبارزه سندیکائی کارگران را بگیرد اما مگر میتوان از مبارزه طبقه کارگر جلوگیری کرد؟ کارگران وقتی کارد به استخوانشان رسید برای مطالبات حقه خود، خود بخود دست با اعتصاب میزنند. اعتصابات کارگران هر بار به خون کشیده میشود ولی کارگران را از اعتصاب گریزی نیست چو سلاح آنها در برابر استثمارگران آزیند اعتصاب است. یل اعتصاب سه هزار کارگر کارخانه نساجی شاهی در او تیرماه اسال در زمره این اعتصابات است.

"نساجی ۲" که ۳ هزار کارگر دارد مدت یک هفته است در اعتصاب بسر میبرد. کار باستاندار و سازمان امنیت و رئیس شهرتانی شاهی کشیده است آنها رئیس شهرتانی را کتک زدند از دحام آنقدر زیاد بود که حتی ۱۰ کامیون سرباز اسلحه بست که از ساری و بابل بکام آمدند نتوانستند جلوی آنها را بگیرند ماشین آتش نشانی را آتش زدند، ماشین رئیس شهرتانی را سنگباران کردند. حرف آنها این بود که ما با شما کاری نداریم فقط وزیر کار میتوانمشکل ما را حل کند. تاکنون ۴ کارگر کشته و نزدیک یکصد تن از کارگران زخمی شده اند. چنین است ترازنامه یک اعتصاب دیگر کارگران در رژیم آدمکش شاه.

از آن پس چند روزی نیروهای انتظامی شهر را قرق کردند. هر کس را که از ساعت ۹ شب به بعد در بیرون از خانه می یافتند دستگیر یا حتی بسوی او شلیک میکردند و سر انجام کارخانه شاهی را برای یک ماه تعطیل نمودند.

در این کارخانه شاهی کارگران راهر چه بتوانند استثمار میکنند. دستمزد کارگران در قبال هزینه زندگی بسیار ناچیز است و وضع غذائی کارگران بسیار بد: صبحانه آنها (که اغلب با خود به کارخانه میآورند) از یک تکه نان خالی و یک استکان چای تجاوز نمیکند. در فصل تابستان به ندرت نان را با گوجه فرنگی میخورند چون گوجه فرنگی در این فصل در این محل نسبتاً ارزان است. پنیر رایالی یکبار هفتی چشند. وضع کارگران زن از مردان بدتر و حتی شرم آور است. کارگران زن که اکثر دختران جوانند برای استخدام در چنگال اهریمنان کارخانه گرفتاری آیند و استخدام آنها در گروهی این در می آید که خود را در اختیار رئیس کارخانه مهندس کارخانه سرپرست کارخانه بگذارند. دستمزد آنها نیز از کارگران مرد کمتر است.

برای ایجاد تفرقه در میان کارگران دستمزد آنها را بنا بر درجه سواد یا عنوان سرپرست و سرامتاد کم و زیاد میکنند. گاهی به برخی کارگران از ۱۰ تا ۵۰ تومان انعام میدهند تا آنها را رام خود کنند. در مورد پرداخت سود کارخانه نیز همین شیوه امر می آید. و اینها برای آنکه تفرقه بیفکنند و از همبستگی کارگران مبارزه بکاهند. از سود کارخانه فقط بخش کوچکی نصیب کارگران بقید صفحه ۳

راه رهایی ایران از سرنوشتی رژیم شاه میگذرد

دست شاه از جان میهن پرستان

کوتاه باد!

اسامی زیر که در اختیار سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان قرار گرفته ، نام کسانی است که از طرف دستگاههای سرکوبی رژیم خائن محمد رضا شاه مورد تعقیب و پیگرد میباشند . متأسفانه بعضی از آنان هم اکنون با سارت درآمده و در زندانهای قسرو ن وسطائی در زیر شکنجه های درمناشانه بسر میبرند و یا به حبس های طویل المدت محکوم گشته اند . چه بسا برخی از آنان بشهادت رسیده باشند که نامشان در قلوب خلـق رزمنده ما همواره جاویدان خواهد ماند .

سازمان توفان برای اطلاع همه مبارزینی که برای سرنگونی رژیم محمد رنماشاه پیکار میکنند تا ایرانی آزاد از قید همه امپریالیستها بنا نهند ، صورت این اسامی را منتشر میکند تا همه کسانیکه نامشان در این سباه آمده با هشیاری به پیکار خود ادامه دهند . این تنها سیاهه ای کوچک از رزمندگان بیشماری است که تحت تعقیب مامورین امنیتی رژیم شاهاند و از نبرد خلق ما گواهی میدهند .

- | | | |
|----------------------------|-----------------------------|-----------------------------|
| ۱- غضنفر کمال کوهی | ۲۱- محمود سلیمانی | ۴۱- یوسف امیر ارجمند |
| ۲- فرامرز حسامی | ۲۲- محمد ابراهیم علیزاده | ۴۲- احسان الله صفری |
| ۳- رضا پیروی | ۲۳- بهروز معظمی | ۴۳- محمود ساعی |
| ۴- احمد صدقیانی | ۲۴- عبدالحمید جهان بینی | ۴۴- غلامحسین جلیلی |
| ۵- محمد اقتداری فرزند محمد | ۲۵- محمد رضا کرم وردی | ۴۵- نادر ساییدی |
| ۶- حاجی محمد رئیس | ۲۶- هوشنگ پرویزی | ۴۶- محمد جماعتی محمد جماعتی |
| ۷- جواد کردشی | ۲۷- کیومرث فرزند محمد تقی | ۴۷- کیومرث کریم بخشی |
| ۸- رخساره زاهدی | ۲۸- عبدالرحمان سید الله خان | ۴۸- محمد فقیر محمد رفیعی |
| ۹- فاطمه اکبری ملک | ۲۹- غضنفر قبری | ۴۹- سعید اشرفی |
| ۱۰- پرویز نیکخواه | ۳۰- اسد الله کوهدلی | ۵۰- هوشنگ بهرامی |
| ۱۱- باقر کاشانی | ۳۱- میرسعید جناب | ۵۱- حیدر سپهری یا سپهری |
| ۱۲- نیری | ۳۲- حسین یوسف اصل قادی | ۵۲- یوسف الله قاسم پور |
| ۱۳- عبدالحسین شیرازی | ۳۳- محمد نقیبی | ۵۳- کاوه و فاداری |
| ۱۴- خمه مهدوی | ۳۴- حمید صالحی | ۵۴- حسین محمودی |
| ۱۵- محمد رضا عربزاده | ۳۵- فرخ نگهدار | ۵۵- مظفر عباسی |
| ۱۶- مجید علیزاده | ۳۶- محمد رانی | ۵۶- اسماعیل پور رحیمی |
| ۱۷- احمد شایقی | ۳۷- نادر | ۵۷- منوچهر احمد هاشمی |
| ۱۸- کیومرث سنجری | ۳۸- تورج اشتری | ۵۸- محمود راسخ افشار |
| ۱۹- مسعود رهبر | ۳۹- جلال رئیس | ۵۹- غلام شیر خانی |
| ۲۰- هاشم رفیعی | ۴۰- فرامرز مارچی | ۶۰- محمد اسکندری |

- ۶۱- فرامرز مجید افشار
۶۲- نادر محمدی
۶۳- محمد ابراهیم علیزاده عطی
۶۴- محمد کاتبی
۶۵- ابراهیم گیبی
۶۶- حسن احمد روحانی
۶۷- فرامرز جهانناتاش
۶۸- مسعود علی اکبر
۶۹- بهروز عارفی
۷۰- علی رحیم زاده
۷۱- علی اکبر هاشمی رفسنجانی
۷۲- حاتم وثیق پور
۷۳- صادق محسنی
۷۴- علی اکبر مهدوی
۷۵- علی حاجی محمد کاسی
۷۶- طاهر شبیری شرق یا
طاهر بشیری شرق
۷۷- عیسی حکیمی
۷۸- ابراهیم علی
۷۹- مراد بیاض اوغلی
۸۰- مریم فرزند محمود
۸۱- خنایار نعلیقی
۸۲- وحید افراخته
۸۳- حافظ محسنی
۸۴- الله شیرخانی
۸۵- شاپور سپهر نیان
۸۶- عبد الله ورهانی
۸۷- رحمت الله نورالهی
۸۸- کوچک نمازی
۸۹- محمد صدقیانی
۹۰- محمد تاغوسی
۹۱- عدنان فرزند عبد الله
۹۲- ماندانا کلبادی فرزند محمد حسن
۹۳- علیرضا بهشتی
۹۴- صالح طاهری
۹۵- مقدم کاشانی
۹۶- فرج
۹۷- کیومرث حریری
۹۸- رارا شباهنک
۹۹- خلیل رانوب یا خلیل رالوب
۱۰۰- محمد چرچی یا محمد چرچی
۱۰۱- حسن حضرتی
۱۰۲- ابوالقاسم اسدی
۱۰۳- ناصر گلین
۱۰۴- مطاع کهتری
۱۰۵- عبدالمحمد تقی زاده
۱۰۶- رسول بخشی
۱۰۷- امیر کلا بی
۱۰۸- محسن نجات حسینی
۱۰۹- عید الکریم فطری
۱۱۰- سید محمد ولی
۱۱۱- محمد رشیدی
۱۱۲- منصور باهری
۱۱۳- احمد بناساز یا
احمد بناسازنوری
۱۱۴- علی فریدی
۱۱۵- مسعود چاقی چیان
۱۱۶- علی خسروی فرد
۱۱۷- سید عباس
۱۱۸- حسن غلا مرزا
۱۱۹- علی شاکری
۱۲۰- محمد طاووسی گل محمد
۱۲۱- منوچهر مقدم
۱۲۲- حسن برانی
۱۲۳- سعید کاظمی
۱۲۴- اصغر جمشیدی
۱۲۵- منوچهر ماساری
۱۲۶- بانو مینو
۱۲۷- عباس جعفری
۱۲۸- ناصر رکابی
۱۲۹- مجید سیادت
۱۳۰- حسن کبیری
۱۳۱- سید عباس رضائی
۱۳۲- عباس کبیری
۱۳۳- عبد الحمید حمید آرایش
۱۳۴- بیژن طاعی
۱۳۵- هوشنگ گلرخ
۱۳۶- علی اصغر رفیعی اصلی
۱۳۷- آینه همت آبادی
۱۳۸- موسی رضائی